

« فصل اول »

« نکت ادبی، زبانی، معنی و مفهوم »:

درس اول، «زنک آفرینش» و «حکایت اندرز پدر»

قیصر امین پور: شاعر معاصر و استاد دانشگاه و از شاعران بسیار موفق پس از انقلاب است.
از آثار او می توان به: «دکوه آفتاب - تنص صبح - مثل چشمه مثل رود - به قول پرستو - آینه های ناگمان» اشاره کرد و
دریغاکه این استاد و شاعر خوش نام زود هنگام چشم از جهان فرو بست و در پانزده سال ۸۶ وفات یافت.

قالب شعر: چهارپاره

پیام درس:

داستان شعر، تصویر یک کلاس خیالی است که در آن دانش آموزان به کمک معلم، از آرزوهای پاک و بی آلایش خود در آینده حرف می زنند و دوست دارند به آنها برسند. این اتفاقات در یک جمل خیالی رخ می دهد و شاعر با استفاده کردن از آرایه تشخیص این داستان زیبا را سروده است.

جهان جمله فروغ روی حق دان حق اندروی زیدایست پنهان

معنی و مفهوم: تمام پدیده های جهان نمایانگر و جود و عظمت خداوند هستند و خداوند از شدت آشکاری در پدیده ها پنهان به نظر می رسد

آرایه ادبی: پیدا و پنهان : تضاد/ تکرار واژه حق

شیخ محمود شبستری: از عارفان مشهور قرن ۸ هجری است و معروف ترین اثر شعری او « گلشن راز » است .

«زنک آفرینش»

صبح یک روز نو بهاری بود روزی از روزهای اول سال

دانش زبانی: بیت دو جمله است و در جمله دوم فعل بود حذف شده است .

معنا و مفهوم: صبح یک روز زیبای سال نو بود

بچه ها در کلاس جنگل سبز جمع بودند دور هم خوشحال

دانش زبانی: بیت دو جمله است و در جمله دوم فعل بودند حذف شده است

معنا و مفهوم: بچه های جنگل سبز شاد و خوشحال در کلاس دور هم جمع شده بودند

بچه ها گرم گفت و گو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

دانش زبانی: بودند : فعل (ماضی)

دانش ادبی: گرم گفتگو بودن : کنایه از مشغول حرف زدن بودن است

معنا و مفهوم: بچه ها مشغول صحبت بودند و دوباره کلاس پر از سرو صدا شد .

هر یکی برک کوچکی در دست باز انگه زنگ انشاء بود

دانش زبانی: فعل جمله اول (داشتند) حذف شده

معنا و مفهوم: هر یک از آنها بر گ کوچکی در دست داشت . انگار دوباره ساعت انشا بود .

تا معلم زگر در راه رسید گفت با چهره ای پر از خنده

دانش زبانی: حرف «ز» در مصراع اول مخفف «از»

دانش ادبی: از گرد راه رسیدن کنایه از وارد شدن است .

معنا و مفهوم: همین که معلم وارد شد با لبخند گفت .

باز موضوع تازه ای داریم "آرزوی شما در آینده"

دانش زبانی: موضوع تازه ای : مفعول

دانش ادبی: بیت پنج و شش باهم موقوف المعانی اند یعنی بیت شش ادامه بیت پنج است و معانی آنها به هم مرتبط است .

معنا و مفهوم: دوباره موضوع انشای تازه ای داریم موضوع جدید این است که آرزوی شما در آینده چیست ؟

شبنم از روی گل برخواست گفت: می خواهم آفتاب شوم

دانش ادبی: آفتاب شدن شبنم: کنایه از رشد و تعالی است / برخاستن شبنم: آرایه تشخیص یا همان جان بخشی

معنا و مفهوم: شبنم (قطره صبحگاهی) از روی برگ گل بلند شد و گفت من دوست دارم مانند آفتاب باشم .

زره ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

معنا و مفهوم: کم کم به آسمان بروم و مانند ابری شوم و دوباره به باران تبدیل گردم .

دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند

دانش ادبی: خواندن انشا به دانه نسبت داده شده: آرایه تشخیص

معنا و مفهوم: دانه به آرامی بر روی زمین غلتید و رفت تا انشای کو تاهش را بخواند

گفت: باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبز خواهم ماند

دانش ادبی: گفتن غنچه: تشخیص

معنا و مفهوم: گفت من باغی بزرگ خواهم شد و برای همیشه تازه و شاداب می مانم

غنچه هم گفت کرم چه دل تنگ مثل لبخند باز خواهم شد

دانش ادبی: دل تنگ بودن: کنایه از غمگین بودن / گفتن غنچه: تشخیص / مثل لبخند: تشبیه

معنا و مفهوم: غنچه گفت اگر چه ههم اکنون غمگینم ولی مثل لبخند شکوفا خواهم شد.

با نسیم بهار و بلبل و باغ کرم راز و نیاز خواهم شد

معنا و مفهوم: با نسیم بهاری و بلبل باغ مشغول گفتگو خواهم شد

جوجه گنجشک گفت: می خواهم فارغ از سنگ بچه باشم

دانش ادبی: جوجه گنجشک می گوید: تشخیص

دانش زبانی: می خواهم: فعل (مضارع) / جوجه گنجشک: نهاد

معنا و مفهوم: جوجه گنجشک گفت من میخواهم از اذیت و آزار بچه ها در امان باشم.

روی هر شاخه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم

معنا و مفهوم: روی شاخه های درخت مشغول جیک جیک کردن باشم و در دل آسمان رها و آسوده باشم

جوجه می کوچک پرستو گفت: کاش با باد همسپار شوم

معنا و مفهوم: جوجه کوچک پرستو گفت ای کاش من هم با باد همراه و هم قدم باشم

دانش ادبی: جوجه گفت: آرایه تشخیص

تا افق های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

معنا و مفهوم: تا عمق کرانه های آسمان پرواز کنم و دوباره پیام آور فصل بهار باشم

جوجه های کبوتران گفتند: کاش می شد کنار هم باشیم

دانش زبانی: جمله اول خبری و جمله دوم عاطفی است

معنا و مفهوم: جوجه کبوترها گفتند کاش همیشه در کنار همدیگر باشیم و از هم جدا نشویم .

توی گلدسته های یک کنبد روز و شب زائر حرم باشیم

دانش ادبی: روز و شب: تضاد / گلدسته گنبد، زائر و حرم: مراعات النظیر

معنا و مفهوم: روز و شب داخل گلدسته های مسجد و مکان های مقدس مشغول راز و نیاز (زیارت کردن) باشیم .

زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

دانش ادبی: زدن زنگ تفریح به زنجره نسبت داده شده: تشخیص

دانش زبانی: زنجره: نهاد / زنگ تفریح: مفعول / زد: فعل (ماضی)

معنا و مفهوم: همین که زنجره زنگ تفریح را زد دوباره کلاس پر از سرو صدا و هیاهو شد .

هریک از بچه ها به سویی رفت و معلم دوباره تهاشد

معنا و مفهوم: بچه ها هر یک به سویی رفتند و معلم دوباره تنها شد .

با خودش زیر لب چنین می گفت: آرزوهایتان چه رنگین است

معنا و مفهوم: معلم با خودش زیر لب زمزمه می کرد ، بچه ها چقدر آرزو های شما زیبا است .

نکته: رنگین بودن آرزو به معنی آرزو های گوناگون و زیباست

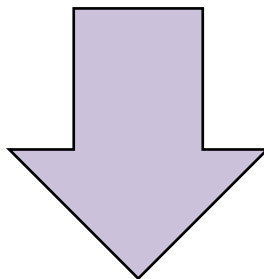
کاش روزی به کام خود برسید؛ بچه ها آرزوی من این است

دانش زبانی: جمله اول و دوم هر دو عاطفی

دانش ادبی: بچه ها تنها آرزوی من این است که یک روزی همگی به آرزوهایتان برسید .

« آن منی، کجا رومی؟ »

تشریف بیارید پامین ، ادامه داره (:



«حکایت اندرز پدر»

یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب خیز بودم.

دانش ادبی: متعبد و شب خیز و مصحف: مراعات النظیر / دیده بر هم نبسته کنایه از اینکه نخوابیده.

نکته زبانی: متعبد و شبخیز: مسند

معنا و مفهوم: به یاد دارم که در دوران کودکی خدا را عبادت می کردم و شب ها بیدار بودم.

شب در خدمت پدر، رحمة الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای کرد ما خفته.

نکته زبانی: مصحف عزیز: مفعول / طایفه: نهاد

نکته ادبی: دیده بر هم نبسته: کنایه از نخوابیدن

معنا و مفهوم: یک روز در کنار پدرم (که رحمت خدا بر او باد) تمام شب را بیدار بودم و کتاب قرآن را در آغوش گرفته بودم و عده ای در اطراف ما خوابیده بودند.

پدر را گفتم: از اینان، یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد.

نکته زبانی: «را» در پدر را گفتم به معنی «به» و حرف اضافه است / یکی: نهاد / سر: مفعول / جان پدر: منادا (ای جان پدر) / فعل است بعد از «به از آن» حذف شده.

دانش ادبی: سر بر نمی دارد: کنایه از اینکه بیدار نمی شود

معنا و مفهوم: به پدرم گفتم: از این افراد یکی هم بیدار نمی شود که نماز صبح بخواند.

چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند

معنا و مفهوم: آن چنان در خواب بی خبری فرو رفته اند که انگار نخوابیده اند و مرده اند.

گفت: جان پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین حلق، افتی.

نکته ادبی: در پوستین حلق افتادن: کنایه از غیبت کردن

معنا و مفهوم: گفت: ای فرزند عزیزم تو هم اگر می خواهی بدی بهتر بود تا این که درباره ی مردم غیبت کنی؟

لغات مهم:

۱. گرم: مشغول
۲. غوغا: آشوب، همهمه
۳. انگار: گویی
۴. ذره ذره: کم کم
۵. غلتید: از پهلویی به پهلوی دیگر شد
۶. انشای کوچک: انشای کوتاه
۷. ابد: همیشگی، جاودان
۸. فارغ: آسوده
۹. افق: کرانه های آسمان
۱۰. پیغمبر: پیام آور
۱۱. گلدسته: مناره
۱۲. گنبد: سقف بزرگ که به شکل نیم دایره است
۱۳. حرم: داخل مکان زیارتی
۱۴. زنجره: نوعی حشره که از خود صدا تولید می کند
۱۵. کام: آرزو
۱۶. ایام: روزها
۱۷. طفولیت: کودکی
۱۸. متعبد: عبادت کننده، شکر گزار
۱۹. شب خیز: آن که همه شب را برپا عبادت پیدا می ماند
۲۰. رحمه الله علیه: خداوند او را رحمت کند
۲۱. دیده: چشم
۲۲. مصحف: کتاب، کتاب قرآن
۲۳. طایفه: گروه
۲۴. دوگانه: نماز صبح
۲۵. بگزارد: بجای آورد
۲۶. غفلت: بی خبری
۲۷. گویی: انگار
۲۸. به: بهتر
۲۹. در پوستین خلق افتادن: کنایه از غیبت کردن